

نگاهی به تطور جایگاه روایات رجعت در منابع امامیه

ساجده یوسفی*

محمد جاودان**

چکیده

از میان روایات رجعت آنچه بیشتر تا پیش از قرن چهارم رواج داشته و توجه محدثان را به خود جلب کرده، روایات *دائمه* و *عصا و میسم* است. تعداد این روایات اندک بوده و بیانگر شأنی از شئون امامت تلقی می شده است. از سده چهارم (آغاز غیبت کبری) تا سده نهم، نقل سایر روایات رجعت فزونی یافته و هرچند شمارشان بیش از گذشته است، اما روی هم رفته پرشمار نیست. این روایات، که از بازگشت پس از مرگ سخن می گویند، در شمار اخبار حوادث پس از ظهور امام دوازدهم جای گرفته اند و بابتی مستقل از سایر اخبار حوادث ظهور به خود اختصاص نداده اند. از قرن نهم به بعد، شمار روایات رجعت فزونی جدی یافته و از سایر اخبار مربوط به حوادث پس از ظهور، ممتاز شده است، به طوری که در کتب حدیثی باب مستقلی مفصلی یا حتی اثر مستقلی به آنها اختصاص یافته است.

کلیدواژه‌ها: رجعت، الکرة، تطور روایات رجعت، مختصر بصائر الدرجات.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول)

sajede.usofi@gmail.com

** استادیار شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

[تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱۰]

مقدمه

طبیعی است که در طول زمان فهم از روایت و در پی آن، جایگاه نقل آن نیز تغییر کند. همان‌گونه که جایگاه موضوعات مختلف به مرور زمان روشن شده و دسته‌بندی علوم به تدریج شکل گرفت، جایگاه و اهمیت برخی از روایات نیز رفته رفته معین شد. مراد از جایگاه روایت، در اینجا، اختصاص بابی مستقل به یک موضوع و در ساختاری معین در اثری علمی است. برای مثال، شیخ صدوق ابواب الاعتقاد فی الأخبار المفسرة والمجملة، الاعتقاد فی الحظر والاباحه، الاعتقاد فی الحدیثین المختلفین را در کنار ابوابی همچون الاعتقاد فی صفات الذات و صفات الأفعال، الاعتقاد فی العدل، الاعتقاد فی العصمة را در کتاب الاعتقادات خود جای داده است، حال آنکه امروز روایات مفسر و مجمل، و حظر و اباحه موضوع علم اصول است.

امروزه و بلکه از چند قرن اخیر، روایاتی که به صراحت یا اشارت از بازگشت عده‌ای از اموات به دنیا سخن می‌گویند در میان اخبار حوادث پس از ظهور جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. اما اینکه آیا آن روایات همواره به موضوع آخرالزمان مربوط می‌شده و همیشه جایگاه ویژه امروزین خود را داشته یا نه، موضوع بحثی است که این نوشتار به آن پرداخته و در جست‌وجوی پاسخ به این پرسش روندی را دنبال کرده است که این روایات در کتب حدیثی پشت سر نهاده‌اند. روشن است که سخن‌گفتن از تطور تعیین جایگاه روایات یک موضوع به هیچ روی، به معنای کاستن از اهمیت یا دآوری درباره ارزش آن نیست؛ بلکه صرفاً گزارشی تاریخی از سیر تطور و روند طی شده است.

سخن در قدمت اعتقاد شیعیان به رجعت نیست. سخن در این است که روایات رجعت از چه زمان در کتب حدیثی بابی مستقل از سایر حوادث آخرالزمان به خود اختصاص داده‌اند.

روایات رجعت و منابع

روایات رجعت در منابع مختلفی نقل شده است:

الف. منابعی که به رجعت اختصاص دارند؛ مثل: رجعت اثر مجلسی (متوفای

نگاهی به تطور جایگاه روایات رجعت در منابع امامیه / ۹

۱۱۱/۱۱۱۰ ه.ق.)، الايقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة اثر حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ ه.ق.)، سرّ مخزون اثر میرزا حسن لاهیجی (متوفای ۱۱۲۱ ه.ق.) و ...

ب. کتب مربوط به غیبت؛ مثل: کمال الدین و تمام النعمة اثر شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه.ق.)، الغیبة اثر شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه.ق.) و ...

ج. مجموعه‌های حدیثی؛ مثل: بصائر الدرجات اثر صفار قمی (متوفای ۲۹۰ ه.ق.)، اصول کافی اثر کلینی، معانی الأخبار اثر شیخ صدوق، امالی‌ها و ...
د. تفاسیر؛ مثل: تفسیر قمی، تفسیر عیاشی، تفسیر فوات و ...

در دهه‌های اخیر، هرچند هنوز بعضی از آثار به گردآوری روایات اهتمام دارند، مثل رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی اثر خادمی شیرازی (۱۳۰۶ ش.-)، اما اغلب بدون ذکر مفصل روایات، فقط به تبیین رجعت بر اساس روایات و دفاع از آن پرداخته‌اند؛ از جمله: رجعت از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث اثر حسن طارمی؛ بازگشت به دنیا در پایان تاریخ اثر خدامراد سلیمیان؛ رجعت: بازگشت بزرگ در هنگام ظهور اثر حسین شهیمی؛ و رجعت از نظر شیعه اثر نجم‌الدین طبسی.

البته در برخی آثار اهل سنت نیز اشاراتی به باور شیعیان به رجعت آمده است. یک نمونه جالب، تفسیر جامع البیان، اثر طبری (متوفای ۳۱۰ ه.ق.) است که در آن به موضوع رجعت به عنوان باور گروهی از مردم عراق در زمان حیات ابن عباس اشاره کرده است (طبری، ۲۰۰۲/۱۴۲۳: ۱۳۲/۱۴).

اما در اینجا، چنان‌که از عنوان مقاله پیدا است، فقط به منابع حدیثی امامی خواهیم پرداخت. کتاب سلیم، اثبات الرجعة فضل بن شاذان، بصائر الدرجات صفار، اصول کافی کلینی، الغیبة نعمانی از آثار پیش از آغاز غیبت کبری، و آثار شیخ صدوق و شیخ مفید، الغیبة شیخ طوسی، مناقب ابن شهر آشوب و مختصر بصائر الدرجات از منابع عصر غیبت کبری هستند که موضوع رجعت در آنها بررسی شده است.

کاربردهای واژه «رجعت»

با نگاهی به کتب فهارس، عنوان «کتاب الرجعة» یا عناوین مشابه را در میان آثار قدما می‌توان یافت؛ اما واژه «رجعت» در معانی اصطلاحی چندی به کار رفته است. از این‌رو نباید عنوان «کتاب الرجعة» در فهارس را یکسره بر معنای

کلامی رجعت حمل کرد. در واقع، رجعت، اشتراک لفظی دارد و به چند معنا به کار رفته است:

الف. اصطلاحی فقهی و به معنای بازگشت به زندگی زناشویی در مدت عده طلاق (نجفی، ۱۹۸۱: ۱۷۹/۳۲).

ب. اصطلاحی کلامی و به معنای بازگشت از غیبت (: ظهور پس از غیبت). بازگشت از غیبت یکی از معانی اصطلاحی واژه «رجعت» است که تا پیش از قرن چهارم رایج بوده است. بعضی از روایات، مقطوعات و محتوای تعدادی از کتب تألیف شده با این عنوان، شواهد استخدام واژه «رجعت» به معنای ظهور است. از جمله مقطوعه کعب الأخبار که: «ان القائم من ولد علی له غیبة کغیبة یوسف و رجعة کرجعة عیسی بن مریم» (نعمانی، ۱۴۰۳: ۹۵، ح ۴؛ ۹۷، ح ۶ و ...). توجه به سه نکته نشان می‌دهد که واژه «رجعت» در اینجا به معنای ظهور به کار رفته است: اول آنکه، غیبت امام، به غیبت حضرت یوسف (ع) تشبیه شده است؛ پس رجعت که در مقابل آن به کار رفته به معنای بازگشت پس از مرگ نیست؛ دوم آنکه، رجعت امام قائم (ع) به رجعت حضرت عیسی (ع) تشبیه شده است و بازگشت حضرت عیسی (ع) از نوع ظهور پس از غیبت است نه بازگشت پس از مرگ؛ سوم آنکه، امام قائم از دنیا نرفته است تا رجعت او بر معنای دیگری غیر از ظهور، صدق کند. بدین ترتیب، این مقطوعه که در کتاب *الغیبة*، اثر نعمانی، ذکر شده نشان می‌دهد واژه «رجعت» در آن دوران به معنای بازگشت از غیبت (: ظهور) نیز به کار می‌رفته است.

ج. رجعت، اصطلاحی کلامی و به معنای بازگشت دولت اهل بیت (ع). عده‌ای از شیعیان بر آنند که حکومت، حق مغضوب ائمه (ع)، روزی به ایشان باز خواهد گشت. در نظر ایشان، «رجعت» به معنای بازگشت دولت و شوکت به اهل بیت (ع) است (سید مرتضی، ۱۴۰۵: ۱/ ۱۲۵-۱۲۶؛ حر عاملی، ۱۳۸۰: ۸۱). نامی از قدمای قائل به این رأی به دست نیامده است. از میان معاصران، سید محمدحسین فضل‌الله به این رأی نظر داشته است (<http://arabic.bayynat.org.lb/>).

د. رجعت، اصطلاحی کلامی و به معنای بازگشتن به همین دنیا پس از مرگ. از نظر امامیه، این بازگشت به دنیا فقط مختص امت اسلام است. در آن زمان، شیعیان محض در ایمان و محضین در نفاق به دنیا باز می‌گردند تا انتقام نیک‌ترین نیکان از بدترین

بدان گرفته شود (مفید، ۱۴۱۶ الف: ۳۵، فصل فی من یرجع من الأمم).

هـ رجعت بر معانی دیگری نیز حمل شده است، مثل رجعت تناسخی (اشعری، ۱۹۸۰/۱۴۰۰: ۴۶) یا رجعت مثالی (حر عاملی، ۱۳۸۰: ۴۲۷؛ اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱۹۴/۳-۱۹۷).

برای مثال، موضوع اثبات الرجعة فضل بن شاذان، غیبت و ظهور امام زمان است. کتاب الرجعة شیخ طوسی عنوان اثری فقهی است. ضمن آثار شیخ طوسی آمده است: «کتاب القسم والنشوز، کتاب الخلع، کتاب الطلاق، کتاب الرجعة، کتاب الایلاء، کتاب الظهار، کتاب اللعان» (طوسی، بی تا: ۲۸۷، ش ۶۲۰). افزون بر واقعیت موجود، سیاق کلام نیز نشان می دهد مقصود، معنای فقهی این واژه است.

هرچند در میان آثار عیاشی نیز همین عنوان آمده، اما در تعیین موضوع آن تردید وجود دارد. نجاشی ضمن آثار عیاشی می نویسد: «کتاب الظهار، کتاب الایلاء، کتاب اللعان، کتاب الرجعة، کتاب التوحید والصفة، ... کتاب الغیبة» (نجاشی، بی تا: ص ۳۵۲، ش ۹۴۴). با توجه به سیاق، به نظر می رسد «رجعت» در معنای فقهی (یعنی رجوع پس از طلاق) به کار رفته است. چه بسا اگر رجعت کلامی بود، پس از کتاب التوحید و نزدیک به کتاب الغیبة ذکر می شد.

در تعیین دقیق معنای اصطلاحی رجعت در عنوان «کتاب الرجعة» شیخ صدوق نیز، برای داوری یقینی اقامه شواهد ضروری است؛ چراکه وی در کتاب الاعتقادات وعده تألیف کتابی مستقل را درباره کیفیت و ادله صحت رجعت، داده است (صدوق، ۱۳۸۹: ۱۵۴)؛ نجاشی نیز ضمن آثار وی می نویسد: «کتاب فی تحریم الفقاع، کتاب المتعة، کتاب الرجعة، کتاب الشعر، کتاب معانی الأخبار» (نجاشی، بی تا: ص ۳۹۰، ش ۱۰۴۹). اما با توجه به اینکه در آثار پس از شیخ صدوق ذکری از این کتاب و مطلب یا روایتی منقول از کتاب الرجعة منسوب به شیخ صدوق، یافت نمی شود، جای این پرسش و تردید وجود دارد که موضوع کتابی که نجاشی ذکر کرده، رجعت کلامی بوده است یا فقهی. از سوی دیگر، این احتمال جدی وجود دارد که این کتاب، اثر کلامی شیخ صدوق بوده، اما به هر سبب ذکر و نقلی از آن به سایر آثار راه نیافته است. به هر روی، حتی اگر این اثر مفقود، وفای به وعده صدوق مبنی بر تألیف کتابی درباره بازگشت پس از مرگ باشد، از کمیت و کیفیت روایت های مذکور در آن بی اطلاعیم.

روایات رجعت در منابع حدیثی پیش از آغاز غیبت کبری

کتاب سلیم

در کتابی که بنا به یک قول از سده اول بر جای مانده، یعنی کتاب سلیم بن قیس هلالی (متوفای ۷۶ ه.ق.)، فقط ابان بن ابی عیاش ضمن بیان داستان عرضه کتاب، سخنی درباره رجعت آورده است. او در مقدمه می‌گوید پس از آنکه کتاب سلیم را گرفته و آن را به امام سجاد (ع) عرضه کرده، به منزل ابوالطفیل رفته و سخن میان آن دو به موضوع رجعت رسیده است.^۱ از آنجا که این روایت در مقدمه ذکر شده نمی‌توان فهمید ابان آن را در زمره چه اخباری می‌دانسته، بلکه آنچه مسلم است باور ایشان به رجعت است.

اثبات الرجعة، اثر فضل بن شاذان

اثر بعدی *اثبات الرجعة* فضل بن شاذان (متوفای ۲۶۰ ه.ق.) است که هرچند نسخه‌ای از آن باقی نمانده، اما روایاتش در لابه‌لای سایر آثار بر جای مانده است. دو محقق، باسم الهاشمی در کتاب *مختصر اثبات الرجعة* و غلام‌حسن محرمی در *اثبات الرجعة*، هر یک جداگانه این اخبار را جمع‌آوری و تحقیق کرده‌اند و در احیای اثر فضل بن شاذان کوشیده‌اند. قریب به اتفاق روایاتی که از این کتاب باقی مانده در اخبار از تولد، امامت، غیبت و ظهور امام دوازدهم (ع) است.

همین نشان می‌دهد که «رجعت» نزد فضل بن شاذان به معنای بازگشت از غیبت (: ظهور) بوده است. محدث نوری نیز ضمن معرفی کتب مربوط به غیبت می‌گوید: «کتاب اثبات الرجعة المعروف بالغیبة لأبی محمد الفضل بن شاذان النیسابوری» (طبرسی نوری، ۱۴۲۹: ۹۰، ذیل عنوان کتب الغیبة و مؤلفوها). شمار روایات رجعت «اثبات الرجعة» ابن شاذان چنان اندک است که غلام‌حسن محرمی، یکی از دو محقق، که ضمن جمع‌آوری روایات، آنها را فهرست‌بندی نیز کرده، عنوانی را به رجعت اختصاص نداده است. هر دو محقق در مقدمه از شمار اندک روایات رجعت در کتاب فضل ابراز تعجب کرده‌اند.

کمتر روایتی را در کتاب فضل بن شاذان می‌توان یافت که درباره بازگشت پس از مرگ باشد؛ اکثر همین اندک نیز صریح نیست. شواهدی نشان می‌دهد که در میان همین

تعداد بسیار اندک (کمتر از ده روایت)، نیز روایاتی هست که به درستی نقل نشده و نقل صحیح آن فاقد دلالت بر رجعت است. گمان می‌رود نسخه اصلی کتاب فضل بن شاذان فاقد بعضی از همین روایات انگشت‌شمار منسوب به او بوده است. دو نمونه زیر نشان می‌دهد که نقل صحیح برخی روایت‌های مذکور در اثبات الرجعة فضل بن شاذان، فاقد دلالت بر رجعت است:

الف. سلیم بن قیس هلالی در کتابش، روایت نبوی در معرفی آخرین امام را آورده است: «مهدی هذه الأمة الذى يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً والله انى لأعرف من يبایعه بين الركن والمقام و أعرف أسماء الجميع و قبائلهم» (سلیم، ۱۴۱۵: ۶۲۰/۲، ح ۱۰). کلینی، نعمانی، عیاشی و صدوق این روایت را از سلیم نقل کرده‌اند. همه این نقل‌ها مشابه است و هیچ دلالتی بر رجعت ندارند (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۵۷/۱-۱۶۲، ح ۱، کتاب فضل العلم، باب اختلاف الحدیث؛ نعمانی، ۱۴۰۳: ۴۹-۵۲، ح ۱۰، فی أن الصحیح من الاحادیث عند امیرالمؤمنین؛ عیاشی، بی تا: ۱۴/۱، ح ۲؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۲۵۵/۲، ح ۱۳۱؛ باب أنى الناس الحدیث من رسول الله من اربعة لیس لهم خامس؛ صدوق، ۱۴۱۶ الف: ۲۸۴/۱، باب ۲۴: نص النبى على القائم، ح ۳۷). این روایت در *اثبات الرجعة فضل بن شاذان* نیز به نقل از کتاب سلیم آمده است؛ اما عبارت آخر چنین آمده: «ثم ابنه الحجة القائم خاتم اوصیائی و خلفائی و المنتقم من اعدائی، الذى يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً» (نیشابوری، ۱۴۱۳: ۱۸، ح ۱؛ همو، ۱۴۳۴: ۱۷-۲۲، ح ۳). منشأ انتساب چنین عبارتی به فضل بن شاذان کتاب *کفایة المهدی اثر میرلوحی سبزواری* (متوفای ۱۰۸۵ ه.ق.) است (نیشابوری، ۱۴۳۴: ۱۷-۲۲، ح ۳). او نسخه‌ای از کتاب فضل بن شاذان را در اختیار داشته و این روایت را از آن کتاب نقل کرده است (میرلوحی سبزواری، ۱۳۸۴: ۴۲۹، ح ۱). نظر به اینکه عبارت مذکور با قید «المنتقم من اعدائی» در نسخه‌های موجود کتاب سلیم، نقل کلینی، نعمانی، عیاشی و صدوق از سلیم نیست؛ این احتمال جان می‌گیرد که عبارت و قید مد نظر در نسخه کتاب فضل بن شاذان که نزد میرلوحی بوده، از افزوده‌های نساخ باشد.

واضح است که حتی با قبول عبارت مذکور، این روایت فقط وقتی بر رجعت دلالت می‌کند که عبارت «المنتقم من اعدائی» را لزوماً به معنای دشمنان معاصر پیامبر (ص) بدانیم. در این صورت، این روایت، مثبت رجعت دشمنان معاصر پیامبر (ص) خواهد بود و باز دلالتی بر رجعت ائمه (ع) ندارد.

ب. سلیم بن قیس هلالی آورده است که پیامبر (ص) فرمود: «یا علیان قریشا ستظهر علیک ما استبطنته و تجتمع کلمتهم علی ظلمک و قهرک فان وجدت اعوانا فجاهدهم و ان لم تجد اعوانا فکفّ یدک و احقن دمک فان الشهادة من ورائک». شیخ صدوق در کمال الدین و شیخ طوسی در الغیبة این روایت را بدون اختلاف از کتاب سلیم نقل کرده اند (سلیم، ۱۴۱۵: ۶۶۱/۲-۶۷۱، ح ۱۲؛ صدوق، ۱۴۱۶ الف: ۲۶۲/۱، باب ۲۴، ح ۱۰؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۳۳۴، ح ۲۸۰، باب العلة المانعة من ظهوره و ص ۱۹۳، ح ۱۵۵).^۲ اما در اثبات الرجعة فضل بن شاذان عبارت «و احقن دمک فان الشهادة من ورائک. واعلم ان ابنی ینتقم من ظالمیک و ظالمی اولادک و شیعتک فی الدنیا و یعذبهم الله فی الآخرة عذابا شدیداً» افزوده شده (نیشابوری، ۱۴۱۳: ۲۹، ح ۳؛ همو، ۱۴۳۴: ۴۷، ح ۳۰)؛ حال آنکه نقل صحیح فاقد عبارت و دلالت مد نظر است.

به هر روی، چون نسخه‌ای از کتاب فضل بن شاذان باقی نمانده، نمی‌توان دانست که او روایات حاکی از بازگشت پس از مرگ را در بابی مستقل از کتابش آورده بوده یا ضمن سایر اخبار حاکی از حوادث پس از ظهور. اما قرائن و شواهد نشان می‌دهد که وی اخبار بازگشت مردگان را همچون سایر اخبار علائم و حوادث هنگام ظهور تلقی می‌کرده است.

بصائر الدرجات اثر صفار قمی

اثر بعدی بصائر الدرجات صفار قمی (متوفای ۲۹۰ ه.ق.) است که در دو باب آن روایاتی را درباره بازگشت پس از مرگ می‌توان یافت: یکی ذیل عنوان «فی أن للأئمة جری ما جری لرسول الله و انهم امناء الله علی خلقه و أركان الأرض و امناء الله علی ما هبط من علم أو عذر أو نذر والحجة البالغة علی من فی الأرض و أنهم قد اعطوا علم المنايا والبلايا والوصایا و فصل الخطاب والعصا والمیسم» و دیگری بابی با عنوان «فی امیر المؤمنین انه قسیم الجنة والنار». در این دو باب ضمن روایاتی که نقل شده مجموعاً هفت روایت دال بر رجعت است که فقط یکی از آنها خالی از ذکر عصا و میسم است. در جزء ۴، باب ۹ (باب للأئمة جری ما جری ...) (ص ۲۳۵-۲۳۹)، هر کدام از احادیث ۱ و ۳ و نیز ۵ و ۶ را می‌توان یک روایت دانست که از دو طریق رسیده است. تمامی روایات این باب مشتمل بر ذکر عصا و میسم و دابة^۳ است. در جزء ۸ این کتاب، باب ۱۸ (باب انه قسیم الجنة والنار)، دو روایت دال بر رجعت

نگاهی به تطور جایگاه روایات رجعت در منابع امامیه / ۱۵

جای گرفته است. حدیث نهم ذکر عصا و میسم است (ص ۴۵۸، ح ۵ و ص ۴۵۹، ح ۹). بنابراین، با توجه به عناوین این دو باب، در نظر صفار این روایات از شئون امامت سخن می‌گوید.

اصول کافی اثر کلینی

محمد بن یعقوب کلینی (متوفای ۳۲۹/۳۲۸ ه.ق.) در *اصول کافی* ذیل بابی تحت عنوان «ان الائمه هم ارکان الأرض» سه روایت مشابه هم آورده که علی (ع) را دابة و صاحب عصا و میسم معرفی می‌کند (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۳۸۸/۱، ح ۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰۳/۱، ح ۱۲۳، ۳۵۴/۲۵؛ استرآبادی، ۱۴۱۵: ۷۵، ح ۴۷؛ حر عاملی، ۱۳۸۰: ۳۳۷، ح ۱۲۲، ص ۳۴۱، ح ۱۳۲). به جز این سه روایت فقط یک روایت دیگر در «باب فی الغیبة» ذکر شده که ممکن است برای رجعت استفاده شود:

عن الاصبع بن نباتة قال: أتيت امير المؤمنين (ع) فوجدته متفكرا ينكت في الأرض. فقلت: يا امير المؤمنين مالي أراك متفكرا تنكت في الأرض، أرغبة منك فيها؟ فقال: لا والله ما رغبت فيها ولا في الدنيا يوما قط و لكنني فكرت في مولود يكون من ظهري، الحادي عشر من ولدي، هو المهدي الذي يملأ الأرض عدلا و قسطا كما ملئت جورا و ظلما، تكون له غيبة و حيرة، يضل فيها أقوام و يهتدي فيها آخرون. قلت: يا امير المؤمنين! و كم تكون الحيرة و الغيبة؟ قال: ستة أيام أو ستة أشهر أو ست سنين، فقلت: و إن هذا لكائن؟ فقال: نعم كما أنه مخلوق و أني لك بهذا الأمر يا اصبع اولئك خيار هذه الأمة مع خيار أبرار هذه العترة. فقلت: ثم ما يكون بعد ذلك؟ فقال: ثم يفعل الله ما يشاء فإن له بداءات و إرادات و غايات و نهايات (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۳۸/۱، ح ۷، باب فی الغیبة؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۱۶۴، ح ۱۲۷ و ص ۳۳۶، ح ۲۸۲؛ حر عاملی، ۱۳۸۰: ۳۳۸، ح ۷).

بعید نیست که برخی، عبارت «مع أبرار العترة» را مفید معنای رجعت بدانند. این روایات چهارگانه فقط اشارات به رجعت در *اصول کافی* است. بنابراین، کلینی نیز روایت‌های محدودی را، که جنبه ذکر علائم امامت، به‌ویژه راجع به علی (ع) را دارد، در کتاب الحجة و ضمن مقامات امیرالمؤمنین (ع) جای داده است.

الغیبة، اثر نعمانی

در *الغیبة* نعمانی (نیمه قرن ۴)، شاگرد کلینی نیز نه تنها عنوان بابی مشیر به رجعت نیست، بلکه روایاتی که بتوان از آنها برای رجعت استفاده کرد بسیار اندک، غیرصریح و پراکنده، در ابوابی مختلف و حتی غیرمرتبط با غیبت و ظهور ذکر شده است: باب ما روی فی الأئمة اثنا عشر اماما؛ فی ان الصحيح من الاحادیث عند امیرالمؤمنین؛ باب ما روی فیما أمر به الشيعة من الصبر فی حال الغیبة؛ باب ما روی فی غیبة الامام المنتظر و ذکر مولانا امیرالمؤمنین والأئمة صلوات الله علیهم أجمعین بعده و إنذارهم بها (نعمانی، ۱۴۰۳: ۹۲، ح ۱ و ص ۹۵، ح ۴ و ص ۹۷، ح ۶ باب ما روی فی غیبة الامام المنتظر و ذکر مولانا امیرالمؤمنین والأئمة بعده و إنذارهم بها؛ نیز باب ما روی فی الأئمة اثنا عشر اماما، ص ۴۱، ح ۴؛ نیز باب فی ان الصحيح من الاحادیث عند امیرالمؤمنین، ص ۴۹-۵۲، ح ۱۰؛ نیز باب ما روی فیما أمر به الشيعة من الصبر فی حال الغیبة، ص ۱۳۰).

روایات رجعت در منابع حدیثی پس از آغاز غیبت کبری

آثار شیخ صدوق

تعداد روایات در آثار شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه.ق.) به وضوح بیش از پیش است و در کتب پیشین موجود برای ما از بعضی از آنها ذکر نرفته، هرچند دلالت بعضی از این روایات صریح است؛ اما در دلالت بعضی دیگر اختلاف است و نمی توان قاطعانه گفت که شیخ صدوق آنها را در زمره اخبار رجعت می دانسته است یا خیر.

فقط در نمونه ای کوچک، قرن اول را مد نظر قرار دادیم و دیدیم که در آثار صدوق از سده اول یازده روایت نقل شده است که این در مقایسه با آثار پیشین عدد بزرگی است. ده تا از آنها فقط از طریق آثار ایشان برای ما بر جای مانده است؛ یعنی گویا در کتب پیشین ذکر از آنها نرفته است. از این میان، دو روایت به صراحت نافی رجعت است (نک: صدوق، ۱۴۱۶ ب: ۴۰۶، ح ۸۱ و ۸۲، باب نوادر المعانی) و فقط چهار روایت صریحاً بر رجعت دلالت دارد (نک: صدوق، ۱۴۱۷: ۸۳، ح ۴۹، مجلس هشتم؛ همو، ۱۳۶۲: ۴۴۹/۲، ح ۵۲، باب العشرة؛ همو، ۱۴۱۶ الف: ۵۲۵/۲، ح ۱، باب حدیث الدجال و ما يتصل به من امر القائم؛ همو، ۱۳۸۴، باب ۴۶: ما جاء عن الرضا (ع) فی وجه دلائل الأئمة والرد علی الغلاة

نگاهی به تطور جایگاه روایات رجعت در منابع امامیه / ۱۷

والمفوضة لعنهم الله، ح ۱، ص ۴۸۳). برداشت رجعت از چهار روایت دیگر محل اختلاف است (نک: صدوق، ۱۴۱۷: ۶۵۶، ح ۸۹۱/۲، مجلس هشتاد و سوم؛ همو، ۱۴۱۶ الف: ۲۶۹/۱، ح ۱۴، باب ۲۴: نص النبی علی القائم، و ص ۲۶۴، ح ۱۱؛ همو، ۱۳۸۸: ۴۹۶، ح ۳، ۸۴۷، باب عقاب من قتل الحسین بن علی).

هرچند شیخ صدوق در *الاعتقادات* عنوان مستقلاً را به رجعت اختصاص داده، اما در این کتاب به روایات نپرداخته است؛ بلکه فقط با اشاره به حدیث نبوی دال بر تکرار هر آنچه در امت‌های پیشین رخ داده و نیز ذکر نمونه‌هایی از احیای اموات در آن امت‌ها، از حتمیت و صحت اعتقاد به رجعت دفاع کرده است (همو، ۱۳۸۹: ۱۴۲-۱۵۴). از آن‌رو که این مقاله به کتب حدیثی توجه دارد، از پرداختن به کتاب *الاعتقادات* صدوق خودداری شد.

بدین ترتیب می‌توان گفت در هیچ یک از آثار حدیثی صدوق بابی با عنوان «رجعت» نمی‌توان یافت. این روایات به طور پراکنده ذیل ابواب مربوط به غیبت، ظهور و حوادث پس از آن ذکر شده است؛ نظیر باب «آیات الساعة» در *الخصال*؛ باب «حدیث الدجال» و باب «النص علی القائم» در *کمال الدین و تمام النعمه*.

آثار شیخ مفید

در کتب کلامی شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ه.ق.)، به راحتی می‌توان عنوان «رجعت» را یافت (از جمله: مفید، ۱۴۱۳ ب: ۳۲-۳۶؛ ۱۴۱۳ ج: ۴۶ و ۷۸).^۴ اما در میان آثار حدیثی‌اش فقط سه روایت به دست آمد. روایتی در کتاب *ارشاد*، ذیل فصل *سیرة القائم*،^۵ روایتی که از دو طریق رسیده و یک بار در *امالی* و یک بار در *ارشاد* نقل شده است.^۶ از آنجا که عنوان‌گذاری احادیث، در کتاب *امالی* را محقق انجام داده است، فقط عناوین *ارشاد* مهم است. او عنوان *کلامه فی تحدیر قومه* را برای این روایت برگزیده است. روایت سوم در *امالی* نقل شده و چه بسا خالی از دلالت بر رجعت تلقی شود.^۷

گذشته از این، شیخ مفید در کتاب *ارشاد* ذیل باب «ذکر علامات قیام القائم و مدة ایام ظهوره، و شرح سیرته و طریقه احکامه و طرف مما ینظر فی دولته آیامه صلوات الله علیه» پیش از ذکر روایات، درباره موضوع توضیحی می‌دهد. وی علائمی را ذکر

می‌کند، تا آنجا که می‌گوید: «و أمواتٌ يُنشرون من القبور حتى يرجعوا الى الدنيا فيتعارفون فيها و يتزاورون» (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۲/۳۷۰). این، کلام خود شیخ مفید است بی‌آنکه به روایتی ارجاع دهد. اما نه تنها در این باب بلکه در سایر ابواب نیز حتی یک روایت مربوط به رجعت نمی‌یابیم.

جالب توجه است که او در آخرین بند از کتاب *ارشاد* می‌نویسد: «و ليس بعد دولة القائم لأحد دولة الا ما جاءت به الرواية من قيام ولده ان شاء الله ذلك، و لم ترد به على القطع والثبات، و أكثر الروایات أنه لن يمضى مهدي هذه الأمة الا قبل القيامة بأربعين يوما يكون فيها الهرج و علامة خروج الأموات و قيام الساعة للحساب و الجزاء». بنابراین، دست‌کم بر پایه این بیان، به نظر می‌رسد شیخ مفید به حکومت ائمه (ع) پس از رجعت ایشان باور نداشته است.

الغیبة، اثر شیخ طوسی

شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه.ق.) در *الغیبة* تعداد معدودی روایات رجعت را به طور پراکنده ضمن باب «علائم ظهور الحجة» و نیز باب «بعض صفاته و منازل و سیرته» آورده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۳۶، ح ۴۲۶، علائم ظهور الحجة؛ ص ۴۷۳، ح ۴۹۵، باب بعض صفاته و منازل و سیرته). بنابراین، او نیز این اخبار را در شمار حوادث مربوط به ظهور دانسته و در این میان توجه جداگانه نکرده و باب مستقلی به آنها اختصاص نداده است.

مناقب آل ابي طالب، اثر ابن شهر آشوب

ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸ ه.ق.) نیز در کتابش، *مناقب آل ابي طالب* روایات اندکی از دابة الأرض را ضمن «فصل فی انه [علی] الرضوان والاحسان والجنة والفطرة و دابة الأرض والقبلة والبقية والساعة واليسر والمقدم» قرار داده است (ابن شهر آشوب، ۱۹۹۱: ۱۲۲/۳، فصل فی انه الرضوان والاحسان والجنة والفطرة و دابة الأرض والقبلة والبقية والساعة واليسر والمقدم؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۷/۵۳، ح ۱۴۶؛ حر عاملی، ۱۳۸۰: ۳۵۹، ح ۱۷۷). از آن رو که کتابش با ذکر امام حسن عسکری (ع) پایان می‌یابد از کم و کیف روایات رجعت نزد او بی‌اطلاعیم.

مختصر بصائر الدرجات سعد بن عبدالله اشعری، اثر حسن بن سلیمان حلی

مختصر بصائر الدرجات حسن بن سلیمان حلی (متوفای اوائل قرن ۹) که از قرن هشتم بر جای مانده، خلاصه‌ای است از بصائر الدرجات سعد بن عبدالله اشعری (متوفای ۲۹۹/۳۰۱). اکنون نسخه‌ای از کتاب سعد در دست نیست و مشخص نیست از چه زمانی نسخه‌های بصائر سعد از بین رفته، اما مسلم است که مجلسی، بصائر الدرجات سعد بن عبدالله اشعری را در دست نداشته است (مجلسی، ۱۴۲۹: ۱۱/۱ و ۱۷).

کتاب مختصر بصائر الدرجات با دو تحقیق به چاپ رسیده است. مشتاق مظفر، یکی از محققان این کتاب، تأکید می‌کند که فقط محمد بن حسن بن فرّخ صفار قمی کتابی با عنوان بصائر الدرجات داشته است. سعد بن عبدالله اشعری قمی، کتاب صفار را تلخیص کرده، سپس حسن بن سلیمان حلی منتخبی را از مختصر بصائر الدرجات تهیه کرده است. وی مصرانه بر این رأی تأکید دارد، به‌ویژه آنکه می‌گوید اکثر احادیث مختصر را در بصائر صفار یافته است. افزون بر این، تأکید می‌کند که حسن بن سلیمان در ابتدای نسخه‌اش نوشته است: «نقلت من مختصر البصائر لسعد بن عبدالله الأشعری» (حلی، ۱۴۲۱: ۲۸-۲۹). این در حالی است که محقق دیگر، یعنی عبدالله سرشار تهرانی میانجی، بر آن است که هر یک از صفار و سعد، کتاب مستقلی به نام بصائر الدرجات داشته‌اند (همو، ۱۴۲۳: ۱۶). یکی از قرائن این رأی، آن است که نجاشی برای هر یک از صفار و سعد، کتابی با نام بصائر الدرجات، و نه مختصر بصائر الدرجات ذکر کرده است (نجاشی، بی‌تا: ۱۷۷ و ۳۵۴). ما نیز روایات باب «الکرات و حالاتها» را از کتاب سعد در کتاب صفار نیافتیم؛ بنابراین جایی برای رأی مشتاق مظفر نمی‌بینیم.

روایات رجعت در سه باب از این کتاب آمده است. یکی ذیل بابی با عنوان «الکرات و حالاتها»؛ این باب منسوب به خود سعد بن عبدالله (متضمن ۴۶ روایت) است. دو باب دیگر «احادیث الرجعة من غیر طریق سعد» (متضمن ۴۶ روایت) و «تتمة ما تقدم من احادیث الرجعة» (متضمن ۵۴ روایت) است که به تصریح حسن بن سلیمان افزوده او است.

تا قرن هشتم، این اولین کتاب حدیثی است که روایات رجعت را در بابی مستقل و تحت عنوانی صریح در این معنا (الکرات و حالاتها) در بر دارد. شمار روایات رجعت نیز در این کتاب در مقایسه با قبل از قرن هشتم، چشمگیر است.

الرجعة اثر استرآبادی

محمد مؤمن بن دوست استرآبادی (متوفای ۱۰۸۸ ه.ق.) در اجابت درخواستی مبنی بر تألیف کتابی مختصر مشتمل بر روایت رجعت، ۲۱۱ روایت را گرد آورد. بعضی از این روایات به روشنی به بازگشت پس از مرگ دلالت دارد؛ اما در دلالت بعضی دیگر اختلاف است. در میراث امامیه، این اولین اثر مستقل حدیثی است که به رجعت اختصاص دارد. چنانچه در ابتدای مقاله اشاره شد، هرچند آثاری پیش از این قرن، عنوان «الرجعة» را حمل می کرده اند اما یا اثری از آنها باقی نمانده تا بتوان از محتوای آنها اطمینان یافت یا با اطمینان می توان گفت درباره بازگشت پس از مرگ نبوده اند، بلکه به رجعت در معنای فقهی پرداخته اند.

الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، اثر حر عاملی

در زمان تألیف این کتاب رساله‌هایی مشتمل بر مطالب بسیار غریبی درباره رجعت موجی از تردید و انکار برانگیخته بود. بعضی از علما برای نفی غریب و اثبات حقایق از محدث بزرگ زمان، محمد بن حسن حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ ه.ق.) خواستند زحمت تألیف کتابی در دفاع از رجعت را بر خود هموار کند. وی به امید آنکه با نور قلم به جدال ظلمت و غفلت رود، اثرش را *الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة* نامید (حر عاملی، ۱۳۸۰: ۳۵). در میان آثار برجای مانده، این اولین اثری است که نه تنها روایات بسیار بلکه آیات بسیاری (۶۴ آیه) را برای اثبات امکان وقوع رجعت، وقوع پیشین و وقوع آن در آینده اقامه می کند.

این اثر در دسته‌بندی موضوعی روایات رجعت نیز پیش گام است: باب «فی اثبات أن الرجعة قد وقعت فی الامم السالفة» (۲۶ روایت)، «فی اثباتان الرجعة قد وقعت فی الانبیاء والأوصیاء» (۶۰ روایت)، «فی اثباتان الرجعة قد وقعت فی هذه الامة فی الجملة» (۴۶ روایت)، «فی اثبات أن الرجعة قد وقعت للأنبیاء والأئمة فی هذه الامة» (۴۰ روایت)، «فی جملة من الاحادیث المعتمدة الواردة فی الاخبار بوقوع الرجعة لجماعة من الشيعة و غیرهم من الرعية» (۱۳۱ روایت)، «فی ذکر جملة من الأخبار المعتمدة الواردة فی الاخبار بالرجعة لجماعة من الانبیاء والأئمة» (۱۷۸ روایت). در این حجم عظیم روایات نیز هرچند دلالت بعضی روشن است، اما دلالت بسیاری دیگر محل اختلاف است.

بحار الأنوار، اثر مجلسی

مجلسی (متوفای ۱۱۱۰/۱۱۱۱ ه.ق.) در جلد پنجاه و سوم از مجموعه بحار الأنوار، «باب الرجعة» (مشمول بر ۱۶۲ روایت) را گشوده و این اخبار را از سایر اخبار حوادث پس از ظهور امام زمان، ممتاز کرده است. روایاتی در ابواب «ما یكون عند ظهوره علیه السلام» و «خلفاء المهدي» نیز مربوط به رجعت است.

رجعت، اثر مجلسی

مجلسی رساله‌ای فارسی با عنوان رجعت نگاشته است. تا جایی که جست‌وجو شد، این اولین رساله فارسی در این موضوع است. وی در مقدمه این اثرش می‌گوید در حین جمع‌آوری بحار الأنوار مضمون دو روایت، او را به این گمان رسانده که ائمه (ع) به ظهور دولت صفویه و اتصال آن به ظهور و سلطنت مهدی موعود (عج) بشارت داده‌اند. همین انگیزه‌ای شد تا آن دو روایت را همراه دوازده روایت دیگر درباره احوال صاحب‌الزمان (عج) در کتابی مستقل، با عنوان «رجعت» جمع‌آوری کند (مجلسی، ۱۳۶۷: ۵-۶).

نتیجه

در جمع‌بندی کلی چنین به نظر رسید که:

۱. در کتب حدیثی پیش از قرن چهارم واژه «رجعت» میان بازگشت پس از مرگ و بازگشت از غیبت، یعنی ظهور، مشترک است و هنوز تعیین نیافته است. گذشت که اثبات الرجعة اثر فضل بن شاذان در قرن سوم از جمله نمونه‌هایی است که هرچند عنوان «الرجعة» را دارد اما روایات مربوط به تولد، غیبت و ظهور امام دوازدهم را در بردارد. این نشان می‌دهد که فضل بن شاذان واژه «رجعت» را به معنای ظهور به کار برده است. بنابراین، باید درباره آثاری که فقط عنوانی از آنها در فهرس باقی مانده محتاط بود و نباید آنها را یکسره به معانی اصطلاحی امروز حمل کرد.
۲. روایاتی از رجعت تا پیش از قرن چهارم (: پیش از غیبت کبری) بیانگر شأنی از شئون امامت تلقی می‌شدند؛ به‌ویژه آنکه بیشتر، روایات مربوط به دابه رایج بوده است. شمار روایات در مجموعه‌های حدیثی این دوره اندک و ذکر آنها پراکنده است.^۸

۳. از قرن چهارم تا هشتم هرچند شمار روایات رجعت کمی بیشتر شده، اما پُر شمار نیست. در این دوران ابواب مربوط به غیبت و احوال پس از ظهور، جایگاه نقل این روایات است. روایات دابه و عصا و میسم نیز مرتبط با رجعت دانسته شده است. این اخبار صرفاً بیانگر حادثه‌ای پس از ظهور تلقی شده و در ضمن سایر اخبار ظهور، مثل اخبار خروج سفیانی و دجال ذکر شده و در مجموعه‌های حدیثی توجه ویژه و مستقلی به خود اختصاص نداده است.

۴. در قرن هشتم با تألیف کتاب *مختصر بصائر الدرجات* به قلم حسن بن سلمان حلی، اولین منبع حدیثی حاوی شمار فراوانی از روایات رجعت ظهور می‌کند. این کتاب اولین اثر حدیثی است که بابتی مستقل درباره رجعت، با عنوانی صریح (الکرات) در خود جای داده و بدین ترتیب این روایات را از سایر اخبار حوادث پس از ظهور جدا کرده است.

۵. از قرن نهم به بعد، رجعت نه تنها باب فربه، بلکه کتب فربهی را به خود اختصاص داده است؛ مثل باب رجعت بحار که در آن مجلسی پس از ذکر ۱۶۲ روایت تأکید می‌کند که شماری را ذکر نکرده است؛ یا کتاب *الایقظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة* که با وجود ذکر ۱۳۱ روایت تأکید می‌کند که شمار روایات باب رجعت بسیار بیش از اینها است!

پی‌نوشت‌ها

۱. لقیتم أبا الطفیل بعد ذلك فی منزله فحدثنی فی الرجعة عن أناس من اهل بدر و عن سلمان والمقداد و أبی بن کعب و قال أبو الطفیل، فعرضت ذلك الذی سمعته منهم علی بن ابی طالب سلام الله علیه بالكوفة فقال لی: هذا علم خاص لا یسع الامة جهله، أو ردّ علمه إلى الله تعالی ثم صدقنی بكل ما حدثونی فیها و قرأ علی بذلک قرآناً کثیراً فسره تفسیراً شافياً حتی صرت ما أنا بیوم القیامة أشدّ یقیناً منی بالرجعة ... قلت: یا أمیر المؤمنین قول الله تعالی «و إذا وقع القول علیهم أخرجنا لهم دابة من الارض تکلمهم أن الناس كانوا بآیاتنا لا یوقنون» ما الدابة؟ قال: یا ابا الطفیل أله عن هذا فقلت: یا أمیر المؤمنین أخبرنی به جعلت فداک، قال: هی دابة تأکل الطعام، و تمشی فی الاسوق، و تنکح النساء، فقلت: یا أمیر المؤمنین من هو؟ قال: هو زرّ الارض الذی الیه تسکن الارض. قلت: یا أمیر المؤمنین من هو؟ قال: صدیق هذه الامة و فاروقها و رئیسها و ذوقنها قلت: یا أمیر المؤمنین من هو؟ قال: الذی قال الله عزّوجلّ «و یتلوه شاهد منه»، «والذی عنده علم الكتاب»، «والذی جاء بالصدق» والذی صدق به أنا والناس کلهم کافرون غیری و غیره (سلیم، ۱۴۱۵: ۵۵۹/۲-۵۶۳؛ حلی، ۱۴۲۳: ۱۴۵، ح ۱۱۲/۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸/۵۳، ح ۶۶؛ حر عاملی، ۱۳۸۰: ۳۳۶، ح ۱۲۱؛ استرآبادی، ۱۴۱۵: ۷۲، ح ۴۵).

۲. شیخ طوسی این روایت را در باب العلة المانعة من ظهوره برای تقریب سبب غیبت به اذهان آورده است.
۳. طبق روایات، دابة الأرض امیرالمؤمنین است که هنگام رجعت با عصای موسی وجه مؤمن و با خاتم سلیمان (= میسم) وجه کافر را نشانه‌گذاری خواهد کرد (نک: طبرسی، ۱۳۶۵: ۳۶۶/۷؛ حر عاملی، ۱۳۸۰: ۳۱۰، ح ۵۵؛ حلی، ۱۴۲۳: ۴۸۶، ح ۵۴۱/۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۱/۵۳، ش ۱۰؛ استرآبادی، ۱۴۱۵: ۱۶۶، ح ۹۴؛ حر عاملی، ۱۳۸۰: ۳۵۲، ح ۱۵۵).
۴. او بر تعدد و معاضدت اخبار رجعت تأکید کرده است.
۵. روی عبدالله بن المغيرة عن ابی عبدالله (ع) قال: «إذا قام القائم من آل محمد (ع) أقام خمسمائة من قریش فضرب أعناقهم ثم أقام خمسمائة فضرب أعناقهم ثم أقام خمسمائة أخرى حتى يفعل ذلك ستّ مرآت» قلت: و يبلغ عدد هؤلاء هذا؟ قال: «نعم، منهم و من مواليهم».
۶. سمعت عليا يقول: أنا سيد الشيب و في سنة من أيوب، والله ليجمعن الله لي أهلي كما جُمعوا ليعقوب (مفيد، ۱۴۰۳: ۱۴۵، ح ۴، مجلس هجدهم؛ همو، ۱۴۱۳ الف: ۲۹۰/۱، فصل من كلامه في تحذير قومه).
۷. پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: «كانك بقوم قد تأولوا القرآن و أخذوا بالشبهات ... هم اهل فتنة يعمهون فيها اليان ايدركهم العدل. فقلت يا رسول الله العدل منا ام من غيرنا؟ قال بل منا؛ بنا فتح الله و بنا يختم و بنا أَلَف الله بين القلوب بعد الشرك و بنا يؤَلَف القلوب بعد الفتنة» (مفيد، ۱۴۰۳: ۲۸۸، مجلس ۳۴، ح ۷).
۸. کتاب فضل بن شاذان تنها استثنای این دوره است که به نظر می‌رسد روایات رجعت اندک‌ش را در شمار اخبار پس از ظهور دانسته است. اما گذشت که نمی‌توان گفت همین مقدار اندک روایات مشیر به رجعت در کتاب او، واقعاً جزء کتابش بوده یا مقطع‌هایی است که به مرور زمان بدان افزوده شده است. از آن‌رو که نمی‌توان قضاوت قاطعانه‌ای کرد در نتیجه‌گیری کلی، این کتاب را نادیده گرفتیم.

منابع

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (١٩٩١). مناقب آل ابی طالب، تحقیق: یوسف البقاعی، بیروت: دار الأضواء، الطبعة الثانية.
- اردبیلی، سید عبد الغنی (١٣٨١). تقریرات فلسفه امام خمینی، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- استرآبادی، محمد مؤمن بن دوست (١٤١٥). الرجعة، تحقیق: فارس حسون کریم، قم: دار الاعتصام، الطبعة الاولى.
- اشعری، ابو الحسن (١٩٨٠/١٤٠٠). مقالات الاسلامیین واختلاف المصلین، تصحیح: هلموت ریتز، ویسبادن: دار النشر فرانز اشتاینر، الطبعة الثالثة.
- حر عاملی، محمد بن حسن (١٣٨٠). الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، تحقیق: مشتاق مظفر، قم: دلیل ما، چاپ اول.
- حلی، حسن بن سلیمان (١٤٢١). مختصر بصائر الدرجات، تحقیق: مشتاق مظفر، قم: جامعه مدرسین.
- حلی، حسن بن سلیمان (١٤٢٣). مختصر بصائر الدرجات، تحقیق: عبادالله سرشار تهرانی میانجی، بیروت: دار المفید، الطبعة الاولى.
- سمرقندی، مسعود بن عیاش (بی تا). التفسیر، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: المكتبة العلمية الاسلامية.
- صدوق، محمد بن علی (١٣٦٢). الخصال المحمودة والمأمومة، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- صدوق، محمد بن علی (١٣٨٤). عیون اخبار الرضا، تهران: دار الکتب الاسلامية، چاپ دوم.
- صدوق، محمد بن علی (١٣٨٨). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: انتشارات ارمغان طوبی، چاپ هشتم.
- صدوق، محمد بن علی (١٣٨٩). الاعتقادات، قم: مؤسسة الامام الهادی، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علی (١٤١٦ الف). کمال الدین و تمام النعمة، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الثالثة.
- صدوق، محمد بن علی (١٤١٦ ب). معانی الأخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چاپ سوم.
- صدوق، محمد بن علی (١٤١٧). الأمالی، قم: تحقیق و نشر مؤسسة البعثة، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علی (بی تا). التوحید، تصحیح: هاشم حسینی تهرانی، بیروت: دار المعرفة.
- صفا قمی، محمد بن حسن بن فرخ (١٤٠٤). بصائر الدرجات، تصحیح و تعلیق: محسن کوجه باغی، قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.
- طبرسی نوری، حسین (١٤٢٩). النجم الثاقب فی احوال الامام الحجة الغائب، تعریب: یاسین موسوی، قم: نشر مسجد مقدس جمکران، چاپ اول.

نگاهی به تطور جایگاه روایات رجعت در منابع امامیه / ۲۵

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۵). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۲۰۰۲/۱۴۲۳). جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق: محمود شاکر، بیروت و عمان: دار ابن حزم و دار الاعلام، الطبعة الاولى.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱). الغیبة، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: مؤسسة المعارف الاسلامی، چاپ اول.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا). الفهرست، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.

عباشی سمرقندی، محمد بن مسعود (بی تا). التفسیر، تهران: افست المكتبة العلمية، الطبعة الاولى. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). اصول کافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ دوم.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسة الوفاء، الطبعة الثالثة.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۹). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تحقیق: محمد باقر درباب، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، الطبعة الاولى.

مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۷). رجعت، مصحح: ابوذر بیدار، تهران: بی نا.

مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵). رسائل الشریف المرتضی، تحقیق: مهدی رجایی و احمد حسینی، قم: دار القرآن الکریم، چاپ اول.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۰۳). الأملی، تحقیق: حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم: جامعة المدرسین.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ الف). الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، الطبعة الاولى.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ب). المسائل السرویة، تحقیق: صائب عبدالحمید، تهران: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، الطبعة الاولى.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ج). اوائل المقالات، تهران: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، الطبعة الاولى.

میرلوحی سبزواری، محمد بن محمد (۱۳۸۴). کفایة المهتدی، مقدمه: شریعت موسوی اصفهانی، قم: دار التفسیر، چاپ اول.

نجاشی، احمد بن علی (بی تا). رجال النجاشی، قم: مكتبة الداوری.

نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱). جواهر الكلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة السابعة.

نعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر (۱۴۰۳). الغیبة، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى. نیشابوری، فضل بن شاذان (۱۴۱۳). مختصر اثبات الرجعة، تحقیق: باسم الهاشمی، بیروت: دار الکرام، الطبعة الاولى.

نیشابوری، فضل بن شاذان (١٤٣٤). اثبات الرجعة، تحقیق: غلام حسن محرمی، قم: دارالمجتبی، چاپ اول.

هلالی، سلیم بن قیس (١٤١٥). کتاب سلیم بن قیس هلالی، تحقیق: محمدباقر انصاری زنجانی، قم: الهادی، چاپ اول.

<http://arabic.bayynat.org.lb/ListingFAQ2.aspx?cid=329&Language=1>